۲۰

نام و نام خانوادگی: امیرحسین سلیمی شماره صندلی: ۲۰ پایه تحصیلی: هفتم دبیر مربوطه: آقای نورآذر آزمون درس : نگارش	مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل مدیریت آموزش پرورش ناحیه ۱ اردبیل دبیرستان شهید بهشتی (متوسطه دوره اول)	ساعت شروع : ۰۹:۳۰ تاریخ آزمون : ۱۸/ ۱۰ /۱۴۰۱ مدت آزمون : ۷۰ دقیقه نوبت ارزشیابی : دی ماه

یکی از موضوع های زیر را انتخاب کرده، با رعایت موارد نگارشی، انشایی بنویسید. (۲۰ نمره)

۱- روزی را که دوست دارم تکرار شود

۲- خانه

۳- توصیف رنگین کمان پس از باران

۴- بازآفرینی ضرب المثل «هر که بامش بیش، برفش بیشتر»

۵- خاطرات یک چوب کبریت از جنگل تا خاکستر شدن

معیارهای ارزیابی:

رعایت طبقه بندی نوشته: نوشتن بند مقدّمه، بندهای بدنه و بند نتیجه

پاکیزه نویسی

حاشیه گذاری و حسن سلیقه

نداشتن غلط های املایی

رعایت علایم نگارشی

۲۰

«موفّق باشید»

طرّاح: عادل نورآذر

موضوع : بازآفرینی ضرب المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر»

مقدمه : می خواهم معنای یک ضرب المثل را با یک داستان بیان کنم و الزم نمی دانم که بگویم ضرب المثل کدام است، چون خودتان آخر داستان متوجه این ضرب المثل می شوید.

که انتخاب کردم

بند نهم:

بند اول: روزی از روزهای سرد زمستانی مثل امروز، برف سنگینی می بارید. برف همه جا را از جمله کوچه ها، خیابان ها، بام های خانه ها، پله ها و تا جایی که چشم می دید پوشانده بود و با خود آرامشی سحر آمیز داشت.

بند دوم: شخصی به نام «آقا رضا» در آن شهر زندگی می کرد. او بسیار ثروتمند بود و خانه ای بزرگ و بالایی در آن شهر داشت. و شخص دیگری به نام «علی آقا» در همان محله زندگی می کرد و زندگی معمولی داشت. علی آقا هم یک خانهٔ ویلایی نسبتاً کوچک داشت.

بند سوم: در آن روز برفی، بام خانه ها پر از برف شده بود. بعد از بند آمدن برف، مردم به بام ها رفتند تا برف ها را از روی بام بر زمین بریزند تا آب حاصل از ذوب شدن برف، به درون خانه چکّه نکند.

بند سوم: آقا رضا و علی آقا هم دست به کار شدند؛ علی آقا در مدت کوتاهی این کار را تمام کرد، ولی آقا رضا در طی چندین ساعت این کار را تمام کرد.

بند چهارم: همان روز آقا رضا، علی آقا را در کوچه دید و به علی آقا گفت: «شما چرا خیلی زود کار برف اندازی را تمام کردید، ولی من دیر تمام کردم؟»

علی آقا گفت: «آیا ضرب المثل معروف باغش بیشتر، برفش بیشتر را نشنیده ای؟»

آقا رضا بعد از شنیدن ضرب المثل به فکر فرو رفت.

بخش پایانی:

این ضرب المثل هم کاربردی و هم آموزنده است.

راستی به نظر شما آقا رضا به چه چیز فکر می کرد؟